

آشنایی با مقاومت سرنوشت‌ساز



- در 31 شهریور 1359 رژیم بعثی عراق با تصمیم و طرح قبلی و با هدف برانداختن نظام نوپای جمهوری اسلامی جنگی تمام عیار را علیه ایران اسلامی آغاز کرد.

صدام، رئیس جمهور عراق با ظاهرشدن در برابر دوربین‌های تلویزیون عراق با پاره کردن قرارداد 1975 الجزایر، آغاز تجاوز به خاک ایران را اعلام کرد.

5 روز پیش از آن، صدام هنگام نطق در مجلس عراق، در 26 شهریورماه 1359 گفته بود: «در برابر شما اعلام می‌کنم که ما قرارداد مارس 1975 را کاملاً ملغی‌شده می‌دانیم و شورای فرماندهی انقلاب تصمیم خود را در این زمینه اتخاذ خواهد کرد.

ما تصمیم تاریخی خود را برای اعاده حاکمیت کامل خود بر سرزمین و آب خود اتخاذ کردیم و با قدرت هرچه تمام‌تر در برابر هرکس که این تصمیم قانونی را نادیده بگیرد، می‌ایستیم رژیم عراق تصمیم گرفته سرزمین‌های خود را با زور باز پس گیرد».

عراق پس از مقدمه‌چینی‌های فراوان سیاسی و نظامی، در ساعت 14:15 دقیقه دوشنبه، 31 شهریورماه 1359 با 3 فروند میگ 23، به فرودگاه بین‌المللی مهرآباد تهران- به تقلید از حمله هوایی اسرائیل در جنگ 6 روزه با اعراب- حمله کرد.

همزمان پایگاه‌های هوایی تبریز، همدان، دزفول، بوشهر، شیراز، اصفهان و فرودگاه‌های اهواز، کرمانشاه، سنندج و ارومیه، توسط 192 فروند جنگنده عراقی مورد حمله قرار گرفت.

روز اول مهر 1359 نیز ارتش عراق با استعداد 48 یگان سازماندهی شده در قالب تیپ‌ها و لشکرهای مکانیزه، زرهی و پیاده با برخورداری از پشتیبانی 800 قبضه توپ، 5400 دستگاه تانک و نفربر، 400 قبضه توپ ضدهوایی و 3666 فروند هواپیما و 400 فروند هلی‌کوپتر به ایران حمله کرد.

جنگی نابرابر در شرایطی به ایران اسلامی تحمیل شد که از جانب استکبار جهانی به ویژه آمریکا تحت فشار شدیدی قرار داشت و در داخل کشور نیز جناح‌های وابسته به غرب و شرق با ایجاد هیاهوی تبلیغاتی و ایجاد درگیری‌های نظامی درصدد تضعیف نظام بودند و نیروهای نظامی نیز به خاطر تبعات قهری انقلاب، هنوز مراحل بازسازی و ساماندهی را به طور کامل پشت سر نهاده بودند.

ارتش عراق که بر اساس محاسبات خود از وضعیت داخلی و خارجی ایران، فتح یک هفته‌ای تهران را در سر می‌پروراند، در روزهای نخست تجاوز، بدون مانعی جدی در مرزها تا دروازه‌های اهواز و خرمشهر پیش تاخت.

نیروی زمینی ارتش عراق تهاجم خود را در سه محور شمالی، میانی و جنوبی آغاز کرد، ولی علیرغم تصور خود در تصرف سریع شهرها، با مقاومت نیروهای مردمی، یگان‌های ارتش و نیروهای سپاه روبه‌رو شد.

در جبهه میانی سپاه دوم عراق در سه محور مهران، نفت‌شهر و قصرشیرین وارد عمل شد تا ضمن دسترسی به تنگه پاتاق و تأمین امنیت بغداد از طریق سرپل ذهاب و قصرشیرین، به سمت گیلانغرب پیشروی کند.

پیشروی نیروهای عراقی در حالی بود که شهرهای مرزی، خطوط دفاعی و پایگاه‌های نظامی در این مناطق به طور مستمر توسط هواپیماهای عراقی و آتش توپخانه بمباران می‌شد.

در این محور در ششم مهرماه 1359، در کنار مقاومت مردم و نیروهای سپاه در مقابل هجوم دشمن به شهر، خلبانان هوانیروز ارتش به فرماندهی شهید شیرودی، عقبه یگان‌های دشمن را منهدم کردند و بدین ترتیب نیروهای دشمن از شهر عقب رانده شدند.

در جبهه شمالی، سپاه یکم عراق مأموریت داشت ضمن حفاظت منطقه و کنترل معارضان کرد عراقی، نیروهای ضدانقلاب را به منظور تجزیه کردستان و بخش جنوبی آذربایجان غربی تجهیز، تقویت و پشتیبانی کند.

بعدازظهر 31 شهریور 1359 خرمشهر زیر آتش سنگین توپخانه ارتش عراق قرار گرفت. شهر در آتش می‌سوخت و صدای انفجار، لحظه‌ای قطع نمی‌شد. در چنین شرایطی گروه‌های مقاومت در مسجد جامع و سایر پایگاه‌های نظامی شکل گرفت و در محورهای هجوم جنگ‌وگریز آغاز شد.

نیروهای مقاومت خرمشهر با امریک، ژ3، بطری‌های آتش‌زا و چند آرپی‌جی دشمن را تا 34 روز پشت دروازه‌های شهر زمین‌گیر کردند و مانع دستیابی سریع دشمن به اهدافش از جمله تصرف 3 روزه خوزستان شدند.

پاسخ قاطع

در جبهه جنوب، ارتش عراق در نظر داشت ضمن حمله غافلگیرانه به پایگاه‌های هوایی و از کار انداختن آنها، تهاجم یگان‌های زمینی خود را در 4محور و از طریق معابر وصولی شناخته شده به منظور تأمین اهداف عملیاتی انجام دهد.

در محور نشوه - جفیر- اهواز دشمن در 8 مهرماه تا چند کیلومتری اهواز پیش رفت. ولی با هشدار امام و شبیخون پاسداران و مقاومت مردمی اهواز به فرماندهی شهید غیور اصلی، پیشروی دشمن متوقف شد و اهواز از سقوط نجات یافت.

در محور چزابه دشمن به سرعت توانست پیشروی کند و با تصرف شهر بستان در روز هفتم جنگ سوسنگرد را تصرف کند.

دشمن، نگهداری سوسنگرد را به عناصر خلقی عرب واگذار کرد، 4 روز بعد نیروهای مردمی، سوسنگرد را آزاد کردند، ولی 24 آبان عراق با محاصره سوسنگرد از سه محور قصد نفوذ به شهر را داشت که با مقاومت نیروهای سپاه و ژاندارمری نتوانست آن را تصرف کند و پس از 48 ساعت با حمله نیروهای جنگ‌های نامنظم به فرماندهی شهید دکتر چمران محاصره شهر شکسته و دشمن مجبور به عقب‌نشینی به پشت رود کرخه شد.

در محور شلمچه نیز وقتی دشمن از تصرف سریع خرمشهر مأیوس شد، شهر را دور زد و آبادان را محاصره کرد ولی با حضور نیروهای مردمی، شهر سقوط نکرد و محاصره 330 درجه آن با عقب راندن دشمن به شمال رودخانه بهمن‌شیر به 27 درجه کاهش یافت.

جالب آنکه هفته‌نامه نیوز ورلد ریپورت (چاپ آمریکا در 4 مهرماه 1360) نوشت: دولتمردان ایران ضعیف‌تر از آن هستند که اشغالگران عراقی را از خاک خود بیرون برانند و بسیاری از کارشناسان خاورمیانه معتقدند که با پایان دادن به جنگ ایران و عراق، رژیم جنگ‌زده ایران باید سقوط کند سقوط سران حکومت ایران بسیار نزدیک به نظر می‌آید.

اما در همان روزها بود که رادیو لندن اعتراف کرد: هدف عراق از حمله به ایران بی‌اعتبار کردن رژیم آیت‌الله خمینی بوده است، ولی به نظر می‌رسد که هدف مزبور با شکست مواجه شده و برعکس موجبات اتحاد مردم ایران را فراهم ساخته است.

شکست دیکتاتور

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران 2887 روز به طول انجامید که طی آن 1000 روز نبرد فعال صورت گرفت که 793 روز حمله از سوی رزمندگان اسلام بود و 207 روز از سوی ارتش متجاوز بعثی. در طول جنگ 381 هزار و 680 نفر از نیروهای دشمن کشته و یا زخمی شدند و 72 هزار نفر به اسارت نیروهای اسلام درآمدند.

در این 8 سال، 371 فروند هواپیما و 82 فروند بالگرد دشمن منهدم شد. 1700 دستگاه تانک و نفربر، 480 قبضه توپ و 3 هزار و 363 دستگاه خودرو نظامی به غنیمت ایران درآمد و 5 هزار و 758 دستگاه تانک و نفربر، 532 قبضه توپ و 5 هزار و 152 دستگاه خودرو نظامی دشمن منهدم گردید.

مقاومت رزمندگان اسلام سبب شد تا ذخایر ارزی عراق که در ابتدای جنگ، حدود 30 میلیارد دلار بود، پس از شکست در عملیات بیت المقدس و فتح خرمشهر به صفر برسد و پس از پایان جنگ، این کشور بیش از 70 میلیارد دلار بدهی داشته باشد.